

پاسداری از محیط زیست در آیات و روایات

مجتبی زروانی^۱

فاطمه خداجویان^۲

چکیده:

بررسی قرآن و روایات اسلامی نشان می دهد اسلام همواره به محیط زیست به مثابه ظرف حیات و تکامل انسان اهمیت می داده است. بسیاری از قوانین اسلام بر همین مبنا پایه ریزی شده است. اسلام برای مسئولیت انسان در برابر محیط زیست اهمیت قائل شده و طبیعت را امانت خداوند در دست انسان می داند. به همین علت برای طبیعت حقوقی در نظر گرفته و انسان را مکلف به ادای آن حقوق می کند. در فقه اسلامی انسان با این حقوق، از جمله حقوق حیوانات و دیگر موارد طبیعی آشنا می گردد.

کلید واژه ها: اسلام، محیط زیست، طبیعت، مسئولیت.

طرح مسأله

یکی از مسائل اساسی و در عین حال پرهیاهوی امروز، بحث محیط زیست و حفاظت آن است. محیط زیست یا طبیعت آفریده خدا و مجلی و محل ظهور اوست. محیط زیست ظرف کمال انسان است و باید به آن توجه شود تا بتواند کمال انسان را به ظهور برساند. از

۱- استادیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران

۲- فارغ التحصیل دکتری رشته ادیان و عرفان دانشکده الهیات دانشگاه تهران

این روش‌یابی‌نگی حفاظت و مراقبت را دارد. از طرف دیگر طبیعت مسخر انسان نیز می‌باشد. بنابراین حقوقی برای آن در نظر گرفته می‌شود و انسان نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کند. اسلام مباحث زیادی در مورد محیط زیست مورد توجه قرار داده و قرآن و روایات موضع خود را در این باره مشخص کرده‌اند. در این مقاله سعی بر آن است تا با رویکردی دین‌شناسی به مسأله محیط زیست و حفاظت آن پرداخته شود.

مقدمه

بحران محیط زیست در روزگار ما افشار مختلفی از دانشمندان جهان را نگران کرده است. بسیاری معتقدند که اگر از شتاب سریع روند ویران‌گری در طبیعت و محیط زیست جلوگیری نشود سلامت کره زمین و ادامه حیات بشر و دیگر موجودات زنده در معرض خطر جدی خواهد بود.

آلوده کردن آب اقیانوس‌ها، دریاها و رودخانه‌ها، نابود شدن جنگل‌های سرسبز که در شمار مهم‌ترین عوامل تولید اکسیژن است، بیابان‌زایی، آلودگی هوا در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، آلودگی‌های صوتی، انقراض نسل برخی از پرندگان و حیوانات، پدید آمدن شکاف در لایه ازن و مسایلی از این دست، اسباب نگرانی گروه‌های مختلف مردم را به ویژه اندیشمندان فراهم آورده است.

در نتیجه، آنان آثار ارزشمند در این باره پدید آورده‌اند و برای آگاهی بیشتر مردم از پیامدهای وخیم و اسفبار اوضاع و احوال زیست محیطی ما کوشش‌های سودمندی کرده‌اند. گروه‌هایی از دانشمندان مسلمان نیز کوشیده‌اند دیدگاه اسلام را در این باره مطرح کنند و نوشته‌های پراکنده‌ای در این زمینه عرضه کرده‌اند. آنان بر این باورند که بهترین نسخه شفابخش این درد مزمن و رنج‌آور معاصر را می‌توان از لایه آیات قرآن کریم و کلام گهربار معصومین - علیهم السلام - استنباط کرده و آن را در دسترس جهانیان قرار داد.

الف - حقوق متقابل انسان و محیط زیست

انسان به عنوان محور جهان طبیعت در کره زمین بوده، و کارایی و ثمربخشی پدیده‌های

عالم در جهت منافع و مصالح و زندگی و بالندگی و آزمودن او طراحی شده است. لذا بهترین بهره برداری را از طبیعت می‌تواند داشته باشد، جز آن جا که به ضرر و زیان جدی او بیانجامد. چنانکه می‌فرماید: «یا ایها الناس کلوا ممافی الارض حلالاً طیباً» (البقرة، ۱۶۸) یعنی: ای مردم از چیزهایی که در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و یا «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق» (الاعراف، ۳۲) یعنی: بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگانش به وجود آورده حرام کرده است و همچنین روزی های پاکیزه را ازسوی دیگر. و نیز بهره‌وری غیرمنطقی و اسراف گونه از طبیعت، اقدامی نادرست دانسته شده است: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا ولا تسرفوا، إنه لا یحب المسرفین» (الاعراف، ۳۱) یعنی: ای فرزندان آدم هنگام هر عبادت لباس و زینت خود را بپوشید و بخورید و بیشامید ولی اسراف نکنید.

از دیگر مواردی که دخالت و تصرف انسان در طبیعت محدود شده است، مواردی هستند که تصرف انسان مایه فسادگری و طغیان و پیروی از روش های شیطانی باشد. به این صورت که: «کلوا و اشربوا من رزق الله ولا تعثوا فی الارض مفسدین» (البقرة، ۶۰) یعنی بخورید و بیشامید از روزی خداوند و در زمین فساد و سرکشی نکنید.

علاوه بر این ها، طبیعت در برابر نعمت‌ها و الطافی که به انسان ارزانی می‌دارد، حقوقی را بر گردن آدمی می‌نهد که نمونه‌ای از آن ها آیه زیر است:

«کلوا من ثمره إذا أثمر و اتوا حقه یوم حصاده» (الانعام، ۱۴۱) یعنی بخورید از نتایج آن در روز درو و حق آن را نیز بپردازید

ب- مسؤولیت و وظایف انسان در قبال محیط زیست

یکی از مهم ترین ارکان اعتقادی مسلمانان اصل «معاد» است. بر طبق این عقیده که ادیان الهی همواره در ترویج آن کوشیده‌اند، زندگی در این جهان در واقع، آغاز زندگی برای انسان است و داستان حیات انسان با مرگ خاتمه نمی‌یابد. بلکه این جهان زمینه و ظرفی برای بالندگی روح او و انتقال روح به جهان دیگر است. بر پایه آیات و روایاتی که در

این باره نقل شده است در آن جهان انسان‌ها باید پاسخگوی اعمال خود باشند و در محضر پروردگار عالم از آن چه در این جهان کرده‌اند، پاسخ دهند. اعمال و رفتاری که انسان باید پاسخ‌گوی آن‌ها باشد بسیار گسترده است و برخورد با طبیعت در زمره آن‌ها قرار دارد. قرآن در این باره می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلنَّاسِ لِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الحجر، ۹۲ - ۹۳) یعنی: به پروردگارت سوگند که از همه آنها پرسش می‌کنیم از آن چه می‌کردند.

پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - در این باره چنین فرمود «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادَةِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ ۝ وَالْبَهَائِمِ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَلا تَعْصُوهُ» (ابن ابی الحدید، ۳۰۴/۷) یعنی: در میان بندگان خدا و شهرها بر پایه تقوا عمل کنید زیرا همه شما مسؤولید حتی نسبت به بقعه‌ها و حیوانات پس اطاعت کنید از فرمان الهی و گناه نکنید.

بدین سان، بر پایه این اصل بسیار مهم از آن جا که انسان در روز قیامت و در جهان دیگر باید نسبت به همه اعمال و رفتار خود پاسخ‌گو باشد و اگر گناه کرده باشد، از وی بازخواست می‌شود و نزد خداوند خود شرمنده خواهد بود. پس انسان باید در این جهان مواظب اعمال و رفتار خود باشد، هم حقوق خداوند را ادا کند و در بندگی او بکوشد و هم به مردم ستم روا ندارد و هم با محیط و طبیعت اطراف خود به درستی عمل کند و همان طور که در حدیث آمده در آن جهان از رفتار انسان با حیوانات سوال می‌شود و یا نیز از زمین‌ها و یا محل تجمع آب‌ها (بقعه‌ها) از انسان می‌پرسند.

در این حدیث توصیه شده است که در شهرها و برخورد با انسان‌ها با رعایت تقوای الهی عمل کنید. در واقع این حدیث هم به اصل مسؤولیت اشاره کرده است و هم به وظیفه‌ای که از اصل یاد شده نشأت می‌گیرد. بدین سان که انسان در مقابل همه چیز و از جمله حیوانات و طبیعت اطراف خود مسؤولیت دارد و چون چنین است باید در میان شهرها و روستاها و نیز در برخورد با مردم تقوای الهی را رعایت کند. یعنی از قوانین اسلام پا فراتر نهد. همان طور که خواهد آمد. یکی از مهم‌ترین گناهان فساد آفرینی در زمین از

طریق تخریب و ویران‌گری در طبیعت است که اگر کسی در آن سو قرار گیرد گناهی بزرگ مرتکب شده است.

در اسلام، شناخت اصول زیست محیطی و تحصیل آن و پرهیز از تخریب آن وسیعی برای سالم سازی آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشن ترین تکالیف بشری به شمار می‌آید. به همین منظور، هم از آلوده نمودن هوا، کوی و برزن و اماکن عمومی تحذیر و نهی شده و هم اگر چنین رخداد تلخی مشاهده شد، برای برطرف کردن آن، ترغیب و امر شده است. چنان که امام جعفر صادق - علیه السلام - فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا، قِيلَ: وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ: يَنْظِفُ ثَوْبَهُ وَ يَطِيبُ رِيحَهُ وَ يَحْسِنُ دَارَهُ وَ يَكْنُسُ أَفْنِيتَهُ...» (مجلسی، ۱۷۵/۷۶ - ۱۷۶) یعنی: هنگامی که خداوند بر بنده‌ای نعمت می‌بخشد دوست دارد تا اثر آن را بر وی ببیند گفته شد: چگونه فرمود: لباسش را پاکیزه سازد و بوی خوش داشته باشد و خانه و اتاق هایش را جارو کند و نیکو سازد.

انسان جانشین خدا در روی زمین است و بار سنگین امانت الهی را در این جهان به دوش دارد، از این رو در مقابل این امانت مسؤول است و باید پاسخ گو باشد. بدین سان هم مسؤولیتی که برخاسته از پاسخ‌گویی انسان‌ها در آن جهان است و هم مسؤولیت در برابر خدا ایجاب می‌کند که انسان پیوسته در رفتار خود با طبیعت مواظبت داشته باشد و نباید زیبایی‌ها، سودمندی‌ها و نظم شگفت‌انگیز طبیعت را در آستانه حرص، طمع، قدرت طلبی و فزون خواهی خود قربانی کند. (ر ک به: حسینی، ۱۴۳-۱۴۶)

در این جاست که اسلام به ما می‌آموزد تا نه تنها فرد به فرد دنبال پرهیزگاری و کسب آن باشیم، بلکه چگونه زندگی دنیوی را اداره کنیم. برای آن که فهم گسترده‌تری از مفهوم حیات در زمین داشته باشیم، لازم است تا قوانینی را که خالق هستی وضع نموده درک کنیم و به آن‌ها احترام بگذاریم. هر فعالیتی که لازمه آن مشارکت اجتماعی است و یا هر فعالیتی که بر سایر اشیاء و موجودات تأثیر می‌گذارد، باید به قوانین فیزیکی طبیعت و نظم اخلاقی و معنوی که خداوند وضع نموده است، مطابقت داشته باشد.

در این میان، کسی که از قدرت برتری برخوردار است، وظیفه سنگین تری متوجه اوست. به عنوان مثال اگر کسی سمتی را در دولت اسلامی به عهده بگیرد و مسؤول بخشی از بخش های حکومت دینی شود، موظف است هر آن چه را که برای حفظ حیات، سلامت، حیثیت اجتماعی و مانند آن، نسبت به خود به کار می برد، برای همگی مردم نیز تأمین کند. اگر خود از بهداشت و محیط سالم برخوردار است، موظف است آن را برای تمام شهروندان فراهم نماید. این دستور رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه وآله وسلم - در برنامه حکومتی جانشین آن حضرت، امیرالمؤمنین - علیه السلام - تحقق یافت. زیرا امام علی - علیه السلام - چنین فرمود: «ولیکن نظرک فی عمارة الأرض أبلغ من نظرک فی استجلاب الخراج لأنّ ذلک لا یدرک إلا بالعمارة» (سید رضی، نامه ۵۳) یعنی: اهتمام تو به آبادنمودن زمین، بیش از همت گماردن تو، به جمع درآمد باشد. معلوم است که با آلوده بودن محیط زیست، هم نیروی انسانی در معرض آسیب است و هم امکانات طبیعی.

در خصوص جایگاه آدمی در عالم کون، بهتر است یک قید ثانوی از تعالیم قرآنی بر مفهوم خلیفه الهی آدم افزون شود تا بتوان تصویر کاملی از نقطه نظر اسلامی در رابطه با انسان، به دست آورد و آن عید بودن انسان است: صفتی که انسان را قادر می سازد تا به کمال انسانیت خود نایل آید و بدان لحاظ بتواند خلیفه ذات باری تعالی گردد.

اگرچه از نظر قرآن، طبیعت سخره بشر قرار گرفته است، ولی این بدان معنا نیست که بشر، بدون هیچ قید و شرطی، در تباه کردن آن آزاد باشد؛ بلکه انسان، باید در محدوده قیود و شرایط قوانین الهی عمل کند و با توجه به این که او خلیفه خداوند است و قدرتی که از ناحیه خداوند به وی اعطا شده صرفاً برای زندگی موقت در زمین و نهایتاً بازگشت به سوی او است، به بهره برداری از طبیعت پردازد. قدرتی که به بشر اعطا گردیده، مطلق نیست بلکه محدود به قید مسؤولیت است، آن هم نه تنها نسبت به خداوند، بلکه نسبت به همه انسان ها و بلکه نسبت به کل آفرینش. (محقق داماد، ۲۸۲)

منظور از خلیفه بودن انسان، چنین نیست که او مالک تمام عیار زمین و طبیعت و محیط باشد و هر گونه که خواست، در آن تصرف کند؛ بلکه او نماینده اداره و آبادانی زمین است و این طبیعت با همه منافع و امکاناتش، به امانت دست بشر سپرده شده است. چنان که این

مفهوم در قرآن کریم نیز به روشنی بیان شده است: «هوأ نشأكم من الأرض و استعمرکم فیها» (هود، ۶۱) یعنی او خدایی است که شما را از زمین آفرید و برای عمارت و آبادانی آن برگماشت.

لازمه نماینده بودن انسان از خدا در زمین، تبعیت و پیروی انسان از هر چیزی است که مالک و خالق زمین (محیط) به آن امر می‌کند. یعنی در واقع نماینده و وکیل باید به دستور کسی که این نمایندگی و وکالت را به او داده است، رفتار نماید. البته یک نماینده باید در آن چه به او سپرده شده، همانند یک امانت دار الهی عمل کند. بنابراین، زمین، ملک خداست و انسان‌ها همه بندگان خدایند، و این به معنای آن است که از دیدگاه اسلام، هیچ فردی مالکیت مطلق و همیشگی ندارد. به عبارت دیگر، هیچ فردی حق ندارد در اموال خود، هرگونه که دلش خواست، تصرف کند، بلکه این مالکیت، موقت و نسبی خواهد بود؛ زیرا مالکیت در بینش اسلام، شرایط و ضوابطی دارد که از طرف خدا وضع شده است برخی از این شرایط عبارت‌اند از: بهره‌برداری بهینه از طبیعت و نگه‌داری و محافظت آن از هرگونه خرابی و ویرانی. از این رو مبالغه نیست اگر بگوییم شایستگی انسان برای خلافت در زمین در واقع توانایی او برآبادانی، توسعه و حفاظت آن در مقابل هر نوع خرابی و فرسایش است. (غنیمی، ۲۸)

مسلمان واقعی از نظر شارع اسلام کسی است که در درجه اول، کوچک‌ترین حقی از حقوق دیگران به وسیله او مورد بی‌توجهی یا تجاوز و تعدی قرار نگیرد. البته این مرتبه از مراتب انسانی و اسلامی، حداقل مرتبه‌ای است که هر مسلمان واقعی باید آن را داشته باشد و گر نه مراتب بالاتری از نظر اتصاف به فضایل در کار است که باید هر خداشناس با مجاهدت و تلاش تحصیل نماید. اما تا کسی در این حداقل مرتبه توفیقی پیدا نکند، حقوق هر کس را در هر شرایطی محترم نشمرده و به طور کامل ادا ننماید، از نیل به مراتب بالاتر نیز محروم خواهد گردید. (اصغری لقمجانی، ۱۴۵)

این مسأله در قالب قاعده «لاضرر ولاضرار» نیز قابل بررسی است و بر طبق آن ضرر زدن به شخص و یا اشخاص به هیچ وجه روا نیست و پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - نیز به شدت آن را نهی کرده است.

در واقع بسیاری از مسائل طبیعت و محیط زیست در روزگار ما به گونه ای به این قاعده مرتبط است. به عنوان نمونه کارخانه هایی که هوا را آلوده می کنند و یا فاضلاب آنها که به رودخانه ها ریخته می شود و با آلودگی هوا و آب ها به گونه ای به جامعه زیان می رسانند و یا خودروهایی که در شهرها به هر دلیل هوا را آلوده می سازند و یا آنان که در سطح کلان در از بین بردن لایه ازن، آلوده کردن دریاها، تغییر دمای زمین و... مؤثرند، همه مشمول این قاعده اند و برطبق آن حکومت اسلامی اجازه نمی دهد کسی به فرد دیگری و به طریق اولی به جامعه که افراد متعددی را بر دارد، زیان رساند، و یا به طور غیر مستقیم با تجاوز به محیط زیست آنان را در تنگنا قرار دهد. و اصولاً هر گونه تجاوز به محیط زیست نوعی زیان رسانی به مردم است که در حدیث شریف از آن به «ضرر» تعبیر شده است؛ به همان سان که آن ها را به لحاظ جسمی و روحی و گاه اقتصادی در تنگنا قرار می دهد و ناراحت می کند که در حدیث شریف از آن به «ضرار» تعبیر شده است. (حسینی، ۱۴۷)

قوانین الهی (شریعت)، وظایف انسان ها را نسبت به نظم طبیعی و محیط زیست، به صراحت معین کرده است. احکام اسلام درباره محیط زیست فراوان و متنوع است، گروهی از این احکام - چه مستحب و چه واجب - ایجابی هستند و مسلمانان را به انجام اعمالی درباره طبیعت و محیط زیست فراخوانده اند. (شیرازی، ۲۳) انسان، به موجب احکام شرعی، نه تنها موظف است به انسان های دیگر کمک کند و نیازهای بینوایان را برآورد، بلکه علاوه بر آن موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید. او، نه تنها موظف است به پدر و مادر خود مهربانی کند، بلکه باید درخت بکارد و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت نماید و از آنان حمایت کند و آشیانه آنان را از تباهی و آلودگی حفظ نماید (نجفی، ۲/ ۶۶-۶۷)

ج - جایگاه حیوانات در آیات

به نظر می رسد که انسان در سرتا سر جهان از مسؤولیت های خویش در قبال حیوانات شانه خالی می کند. دلیل واقعی این بی توجهی، خودخواهی اوست، برای آن که هر موجودی براساس حقی که دارد لازم است از سهم خویش بهره مند شود، انسان باید قدری فداکاری کند. تن آسایی کوتاه نظرانه انسان حتی اجازه نمی دهد این حقیقت ساده را درک کند که رفاه او آمیخته با رفاه تمامی مخلوقات دیگر کره زمین است.

یکی از دلایل اصلی این که چرا انسان ها به طور فزاینده‌ای به حقوق حیوانات دست درازی می‌کنند، افزایش نیازهای آن هاست. باید توجه داشت که در قرن حاضر نسبت به قرون قبلی افراد بیشتری وجود دارند که نیاز به غذا دارند، ولی باید به این مشکل با دیدی نو و معنوی همچون دید مؤمنان نگریست. (ام خالد، ۳۰) خداوند عهد نموده است تا روزی هر موجودی را که می‌آفریند فراهم نماید. آیه زیر این موضوع را تأیید می‌کند:

«قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...» (یونس، ۳۱) یعنی: بگو کیست که از آسمان و زمین شما را روزی می‌دهد.

در تلاش فعلی برای کسب غذا، این حیوانات هستند که بهای ندانم کاری های انسان‌ها را پرداخت کرده‌اند. انسان‌ها تا حد انقراض نسل حیوانات را کشته‌اند. به جای کشتار حیوانات به روش مرسوم سابق، فناوری جدید ابزارهایی را برای کشتن صدها حیوان در یک آن در اختیار انسان‌ها گذارده است.

انسان‌ها عموماً حیوانات را خوار شمرده‌اند، بیشتر به این دلیل که حیوانات را بی زبان تصور می‌کنند، رفتار با حیوانات به گونه‌ای است که گویا آن‌ها هیچ احساسی ندارند و اغلب با دیدی پست به آن‌ها نگاه می‌شود و با آن‌ها بدرفتاری می‌شود. قرآن کریم و احادیث یادآور می‌شوند که حیوانات نیز مانند انسان‌ها جوامعی دارند؛ و خداوند همان گونه که انسان را دوست می‌دارد حیواناتش را نیز دوست دارد؛ خداوند به همان روش که انسان‌ها را آفریده است، حیوانات را نیز آفریده و انسان‌ها همان قدر نشانه قدرت آفریدگی خداوندند که حیوانات.

«و ما من دابة فی الأرض و لا طائر یطیر یجنا حیة إلا أمم امثالکم» (الانعام، ۳۸) یعنی: و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با بال خود پرواز کند مگر آن که آنها گروه‌هایی مانند شما هستند یا «ألم یروا الی الطیر فوقهم صافات و یقبضن ما یمسکهن الا الرحمن إنه بكل شیء بصیر» (الملک، ۱۹) یعنی: آیا در بالای سرشان به پرندگان نگرسته‌اند که گاه بال می‌گسترند و گاه بال می‌زنند جز خدای رحمان آن‌ها را نگاه نمی‌دارد او به هر چیزی بیناست.

در آیه زیر، قرآن انسان را از جهت فیزیکی در سطحی برابر با سایر گونه ها قرار می دهد و او را موجودی دو پا خطاب می کند: «والله خلق کل دابة من ماء فمنهم من یمشی علی بطنه و منهم من یمشی علی رجلین و منهم من یمشی علی اربع» (النور، ۴۵) یعنی: و خداست که هر جنبنده ای را از آبی آفرید پس پاره ای از آن هابر روی شکم راه می روند و پاره ای از آن ها بر روی دو پا و بعضی از آن ها بر روی چهار پا راه می روند.

د - وجوب مراعات حقوق حیوانات

و اما در فقه اسلامی درباره حقوق حیوانات مطالب ارزنده ای وجود دارد. فقه اسلامی در این باره روش هایی ارایه می دهد و مردم را به شیوه ای از زندگی فرا می خواند که سلامت، سعادت و نشاط حیوانات مرتبط با زندگی انسان ها نیز تأمین شود. عالمان وارسته نیز، پیوسته بر پیروی از سیره اهل بیت - علیهم السلام - درباره حقوق حیوانات تأکید داشته اند و خود بر اساس آن عمل می کرده اند.

درباره محقق اردبیلی نقل کرده اند که او هرگز مرکبش را تازیانه نمی زد، نصف راه را سواره و نصف دیگر را پیاده می رفت و هر وقت حیوان میل به چرا پیدا می کرد، جلو او را نمی گرفت. (موسوی، ۱۰۳)

در کتاب وسائل الشیعه سکونی از امام صادق - علیه السلام - در این باره چنین روایت کرده است: چهار پا بر صاحب خود شش حق دارد: بیش از طاقت حیوان از او کار نکشد، پشت حیوان را محلی که بر آن بنشینند و با دیگران سخن بگوید، قرار ندهد (بی جهت بر حیوان سوار نشود). هرگاه پیاده می شود به فکر تهیه علوفه و خوراک حیوان باشد. او را دشنام ندهد. به صورت حیوان نزنند؛ زیرا او تسبیح خدای را می گوید. هرگاه به آب رسیدند آب را بر او عرضه کند. (حر عاملی، ۳۵۰/۸)

از حضرت رسول - صلی الله علیه و آله وسلم - نقل شده است که فرموده: در شبی (شب معراج) مرا بر جهنم سیردادند تا از چگونگی آن آگاه شوم: زنی را دیدم که شکنجه می شود، از علت عذاب شدن وی پرسیدم، در پاسخ گفتند: او گربه ای را بست و به او آب و غذا نداد و رهایش نکرد و این عمل به مردن گربه انجامید و به همین دلیل است که عذاب می شود.

در همان شب معراج در بهشت زن بدکاره ای را دیدم، از علت داخل شدن وی به بهشت پرسیدم، در پاسخ به من گفتند: او بر سگی گذشت که در چاهی افتاده بود و از شدت تشنگی له له می زد، پس لباس خود را به چاه انداخت و آب آن را در دهان سگ فشرده (و این عمل را آن قدر تکرار کرد) که سگ سیراب شد و خداوند به همین دلیل او را بخشید. (مجلسی، ج ۶۵/۶۴-۶۵)

ه - وجوب تأمین همه نیازهای حیوان

صاحب جواهر در کتاب خود چنین نوشته است: «باید توجه داشت که نفقه حیوانات اندازه معینی ندارد و آن چه واجب است بر آوردن نیازهای خوردنی و نوشیدنی و تهیه محل سکونت مناسب برای حیوان است که با توجه به زمان و مکان و نوع حیوان فرق می کند. اگر مالک حیوان نتواند یکی از امور یادشده را انجام دهد حاکم به نیابت از او آن چه را مصلحت بداند انجام می دهد.

اگر حیوان بچه شیری داشته باشد، باید مالک اجازه دهد به مقدار کافی از شیر مادرش بنوشد؛ زیرا نوشیدن شیر به مقدار کافی از نفقه حیوان به شمار می آید.

اگر دوشیدن شیر برای خود حیوان به دلیل کمبود علف و یا هر دلیل دیگر زیان آور باشد دوشیدن او جایز نیست. اما اگر دوشیدن شیر برای حیوان و بچه اش ضرری نداشته باشد بهره نگرفتن از شیر او مکروه است و یا جایز نیست؛ زیرا به ضایع کردن مال می انجامد. لیکن مالک باید مراقب باشد تا آخرین قطرات شیر را از پستان حیوان بیرون نکشد؛ زیرا سبب آزار او می شود.

مستحب است دوشنده شیر ناخن های خود را کوتاه کند تا حیوان اذیت نشود. جایز نیست حیوان باربر را به گونه ای بارکند و از آن بهره برد که طاقت آن را ندارد. و به همین دلیل است که در روایات نهی شده است از سوار شدن سه نفر بر یک حیوان، و سزاوار است که برای زنبور عسل مقداری از عسل را در کندو نگه دارد». (نجفی، ۳۹۱/۳۱ - ۳۹۴، با اندکی اختصار)

و - اصول فقهی بهداشتی و زیست محیطی

بخش مهمی از احکام فقهی اسلام، در واقع احکام بهداشتی - محیطی است. احکام

آب‌ها، احکام زمین، احکام مربوط به مسایل کشاورزی (مزارعه و مساقات) و بالاخره حفاظت از محیط زیست و اهمیت بهداشت، تا آن جا مورد توجه قرار گرفته است، که حتی برای دفن اجساد مردگان، احکام ویژه ای وضع شده است. مثلاً مطابق دستورهای اسلام، گورستان مردگان را در خارج از شهر می‌سازند. بدن میت سه مرتبه غسل داده می‌شود. آب غسل باید در گودالی ریخته شود که محل رفت و آمد عمومی نباشد. قبر باید عمیق بوده و محکم پوشانده شود تا میکروب به بیرون سرایت نکند و مسایل و احکام دیگری که همه گویای تأکید اسلام بر حفظ محیط زیست از آلودگی هاست. (شیخ طوسی، ۱/ ۲۹۸ - ۲۹۹)

احکام فراوانی درباره آب‌ها و آلودگی آنها داریم حتی در اسلام آلودگی بیش از حد با حکم نجس تبیین شده است و جامعه را چنین هشدار داده است که از آلوده کردن آب تا مرز نجاست، پرهیز کنند. از کمترین آلودگی آب‌ها، مانند انداختن مردار در آب، و ادرار کردن در آب به شدت منع شده است. اصولاً هر کالا و ماده‌ای که به گونه‌ای مورد استفاده عموم است، باید چنان رعایت و حفظ شود که از تباهی و نابودی در امان باشد. (شیخ صدوق، ۱/ ۱۳ - ۱۵ و ۲۲)

فتاوی فقیهان درباره حیوانات نیز فراوان است و فقها آن را در مباحث زیر بررسی کرده‌اند:

در کتاب طهارت در بیان حکم این مسأله که آیا تیمم بر برآمدگی زین اسب جایز است یا نه، و نیز در مسأله حیوان‌های پاک و نجس، نیم خورده حیوانات، و در باب نماز در مسأله سجود بر برآمدگی زین اسب، و در باب زکات در مسأله اموالی که زکات بر آن‌ها واجب است، و در باب جهاد درباره تفاوت حق سواره و پیاده از غنیمت‌های جنگی و در باب حج در بررسی احکام احرام و احکام مخصوص به چهارپایان (که در روزگار گذشته به عنوان وسیله نقلیه از آن‌ها بهره می‌برده‌اند)، و در باب شکار و ذبح شرعی حیوانات حلال گوشت، و در باب خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها (اطعمه و اشربه)، و در باب معاشرت، و در باب تجارت درباره این مسأله که با چه کالاهایی می‌توان تجارت کرد و با چه کالاهایی نمی‌توان، و در باب حدود، آن جا که از چند و چون حد متجاوزان به حیوانات سخن می‌گویند، و در باب دیات که مقدار دیه برخی از حیوانات را معین کرده‌اند؛ به همان سان که مسایل مرتبط به حیوانات در کتاب‌های تاریخ، تفسیر و کتاب‌هایی که معجزات معصومان را نقل کرده‌اند، بررسی شده است.

بر پایه روایات، اهل شرع این حکم را بدیهی می‌دانند که جایز نیست انسان حیوانی را به گونه‌ای رها سازد که از تشنگی یا گرسنگی و یا از هرگونه فشار و آزار و اذیتی تلف شود. بلکه باید به اندازه کافی آب و غذا در اختیار او قرار دهد و از گرما و سرمای کشنده حفظش کند. به همان صورت که نباید او را در معرض آزار و اذیت حیوانات دیگر قرار دهد و در این حکم میان انواع حیوانات تفاوتی نیست. (موسوی، ۱۱۰)

این بخش اگر جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. مسایل بسیار زیادی در ارتباط با محیط زیست را در بر می‌گیرد، اما به جهت مراعات گنجایش این نوشتار، به همین اندازه بسنده می‌شود.

ز - انفال

یکی از مسائل فقهی مهم دیگر که در ارتباط با بخشی از محیط زیست است، انفال می‌باشد. بر طبق مبنای امام خمینی هر مالی که مالک خاصی نداشته باشد، از انفال است و از آن ولی امر، و او باید آن را در مصالح مسلمانان هزینه کند و عهده دار حفاظت از آن باشد.

نظریه امام خمینی درباره انفال چنین است: «از مجموع روایات انفال چنین به دست می‌آید که اموال امام را می‌توان در یک عنوان کلی جای داده و آن را بر مصداق‌های گوناگونی تطبیق داد؛ چه مالک در همه آن‌ها یکی است و آن عبارت است از این که همه اموال بدون مالک - خواه زمین باشد و خواه غیر زمین - در اختیار والی و رهبری جامعه اسلامی قرار دارد و او باید آن‌ها را در مصلحت مسلمانان به مصرف رساند و این روش میان دولت‌های دیگر نیز رواج دارد. از این رو، معدن‌ها، جنگل‌ها، زمین‌های آباد و غیر آباد هر گاه مالک خصوصی نداشته باشد، ارث بی ارث، فضا، دریا و خشکی از آن دولت هاست. به عبارت دیگر، این اموال، اموال ملی است و تصرف در اموال ملی به دولت‌ها واگذاشته شده تا در مصالح ملت‌ها ایشان آن‌ها را به مصرف رسانند و اسلام در این باره روش جدیدی که با روش رایج میان دولت‌ها مغایر باشد، ابداع نکرده است، بلکه سیره عقلا را در این باره امضا کرده است». (همو، ۳/ ۲۵)

نتایج مقاله

خداوند متعال انسان را آفرید و به او شرافت و کرامت بخشید و برای ادامه حیاتش نعمت‌های فراوانی را در دل طبیعت به ودیعه نهاد. و از این مواهب طبیعی به عنوان خیر، فضل، رحمت و رزق یاد نموده و مؤمنان را به بهره‌وری و مصرف درست آن‌ها تشویق کرد. عطایای الهی و ثروت‌های خداداد به صورت منابع طبیعی در عرصه محیط زیست وجود دارد که انسان در ایجاد آن‌ها دخالتی نداشته است. اما در مصرف آن‌ها ممکن است از منابع طبیعی سریعتر از زمان لازم برای بازسازی آن‌ها بهره‌برداری شود و یا در نتیجه بهره‌برداری اثرات جنبی استفاده باعث به خطر انداختن محیط زیست و زندگی شوند.

از این رو، برای ارائه راه کارهای عملی برای نجات از بحران کنونی محیط زیست لازم است به اصول اخلاقی مندرج در متون دینی توجه داشته باشیم که ریشه در فطرت آدمی و ماورای طبیعت دارد.

چگونگی تعهد انسان به اخلاق و ارتباط او با طبیعت با این نگرش است که مالک و خالق یگانه طبیعت و مخلوقات، خداست و چون انسان مرقی‌ترین مخلوق اوست، خدا او را خلیفه خود بر روی زمین قرار داد. خلیفه و نماینده بودن انسان به طور طبیعی اقتضا می‌کند که تصرف او در زمین همانند تصرف امانت دار در امانت باشد. زمین از آن خدا و مردم همه بندگان او هستند. بنابراین، برای هیچ کس مالکیت دایمی قرار داده نشده است. معنای این سخن آن است که هیچ کس حق ندارد حتی در اموال و املاک خود، هرگونه که بخواهد تصرف کند. لازم است در خصوص جایگاه آدمی در عالم کون، یک قید از تعالیم قرآنی بر مفهوم «خلیفه الهی» افزوده شود تا بتوان تصور کاملی از نظر اسلام در خصوص انسان به دست آورد، و آن «عبد» بودن انسان است. صفتی که انسان را قادر می‌سازد تا به کمال انسانیت خود نایل آید و از آن جهت بتواند خلیفه ذات باری گردد.

مسئله خلافت انسان در زمین نیز از نظر زمانی موقت است و انسان تا زمانی که زنده است، حق بهره‌برداری از زمین و مواهب آن را دارد. طبیعت و محیط - در همه ابعاد خود - ملک خاص هیچ یک از نسل‌های بشری نیست، تا هر طور که خواست در آن تصرف کند. هیچ نسلی از بشر نیز نمی‌تواند چنین حقی برای خود ادعا نماید، بلکه محیط و

طبیعت، میراث همه بشر و پشتوانه و اعتبار دایمی همه انسان هاست که از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. و این همان مسأله مهمی است که باید در تربیت انسان ها مورد توجه قرار گیرد تا هیچ نسلی، اجازه نیابد به نفع خود از طبیعت، استفاده هایی بی جا کرده و آن را فرسوده و ضایع و آلوده کند؛ زیرا چنین رفتاری به طور دقیق مغایر آن چیزی است که خداوند از ما خواسته است. بنابراین، لازمه خدمت و امانت داری ما این است که ما از طبیعت محافظت کنیم، نه آن که به ویرانی و فرسایش آن مشغول شویم. هم چنان که ما این محیط را پاک و سالم از نسل های پیش تحویل گرفته ایم، باید محیط پاک و سالم که قدرت باروری و بازدهی همیشگی داشته باشد، به نسل بعد از خود بسپاریم.

در حقوق اسلامی نیز، اصول و قواعدی کلی وجود دارد که مطابق آن هیچ کس حق ضرر زدن به دیگران را ندارد و حاکم اسلامی از هر گونه عملکردی که مستقیم یا غیر مستقیم، موجب ضرر به سایرین شود، جلوگیری می‌کند. این قواعد کلی در فقه و حقوق اسلامی، عبارت‌انداز قاعده «تقدیم اهم بر مهم» قاعده «مصلحت عمومی» قاعده «لزوم حفظ نظام جامعه» قاعده «لاضرر» قاعده «عدالت» و «اختیارات حاکم اسلامی» هم چنین مفتوح بودن باب اجتهاد نیز، این امکان را به فقه و فقیهان می‌دهد تا در هر زمانی، متناسب با موضوع های جدید، حکم شرعی را استنباط کنند و در همین رابطه، آلوده کردن محیط زیست نیز چنان چه موجب بیماری افراد شود یا نظم و مصلحت عمومی را بر هم بزند و یا به هر نحوی بر آن ها ضرر وارد سازد، مطابق این قواعد و اصول حرام است و حکومت اسلامی که عهده دار جلوگیری از رواج و اشاعه بیماری ها و تأمین سلامت جامعه است، رفتار و اعمال افراد را به نحوی تحت ضبط در می‌آورد که کسی اجازه نیابد کیفیت محیط را به تباهی بکشد.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ۳- اصغری لقمجانی، صادق، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸.

- ۴- الحر العاملي، محمد بن حسن، وسایل الشیعة، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
- ۵- ام خالد، فضلان، اسلام و محیط زیست، به همراه جوان ابرین، ترجمه اسماعیل حدادیان مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۶- حسینی، سید علی، طبیعت مخلوق خداوند، فصلنامه فرهنگ جهاد، سال ۶، ش ۴.
- ۷- همو، مبانی فقهی امام خمینی درباره محیط زیست و طبیعت، فصلنامه فرهنگ جهاد سال ۵، ش ۱.
- ۸- خمینی، روح الله، کتاب البیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، [بی تا].
- ۹- سید رضی، محمد بن حسن، نهج البلاغة، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۱۰- شیرازی، سید محمد، فقه البیئة، بیروت، مؤسسة الوعي الاسلامی، ۱۴۲۰ هـ.ش.
- ۱۱- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۲- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- ۱۳- غنیمی، زین الدین عبدالمقصود، تربیت زیست محیطی اسلام و حمایت محیط زیست دریایی از آلودگی، سازمان تربیت و فرهنگ و علوم عربی، ایسیسکو ۱۴۱۵ ق.
- ۱۴- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۵- محقق داماد، مصطفی، طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام، تهران، رهنمون (نشریه مدرسه عالی شهید مطهری)، ش ۲ و ۳، ۱۳۷۱.
- ۱۶- موسوی، کریم، حقوق حیوان، فصلنامه فرهنگ جهاد، سال ۸، ش ۲.
- ۱۷- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم، المكتبة الاسلامیه.